

بررسی دیدگاه مستشرقان درباره ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با زینب*

محمدتقی دیباری بیدگلی** و یالچین علی اف***

چکیده

از جمله شبهات و رویدادهای سؤال برانگیز در زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ازدواج های متعدد ایشان بوده است. ازدواج پیامبر با زینب بنت جحش، همسر فرزند خوانده اش زید، از ازدواج های آن حضرت است که داستانش به اختصار در آیه ۳۷ سوره احزاب بیان گردیده که بهانه ای برای ایراد شبههاتی از سوی معاندان و مستشرقان فراهم آورده است. علاوه بر شبههاتی که در طول تاریخ، به ویژه از سوی مستشرقان، در مورد آن مطرح گردیده، در میان عرب جاهلی نیز مورد سؤال و ابهام بوده است. در این نوشتار، ضمن مراجعه به تفاسیر و بررسی آراء و پاسخ گویی به موارد ابهام و شبهه در این زمینه، نشان داده شده است که بن مایه اصلی این شبهات، برخی روایات جعلی و اسرائیلی است که به دلیل سهل انگاری و کم توجهی مسلمانان در تشخیص روایات سره از ناسره، از برخی متون تاریخی به منابع تفسیری فریقین نیز وارد شده است.

کلید واژگان: قرآن، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، ازدواج های پیامبر صلی الله علیه و آله، زید بن حارثه، زینب بنت جحش، خاورشناسان.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱۳ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۴/۳

** دانشیار دانشگاه قم (نویسنده مسئول) mt_diari@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه المصطفی العالمیه info@quransc.com

مقدمه

مستشرقان و مبلغان مسیحی شبهاتی پیرامون تعدد همسران پیامبر اسلام ﷺ مطرح نموده و در این مورد تحلیل‌هایی ارائه داده‌اند. اینان در بسیاری از این تحلیل‌ها آگاهانه و از سرِ عمد یا ناآگاهانه و به دلیل دوری از تاریخ و فرهنگ صحیح اسلامی به بیراهه رفته و اهداف ازدواج‌های پیامبر اسلام ﷺ را با اهداف افراد عادی یکسان پنداشته و نسبت‌هایی ناروا به پیامبر اسلام ﷺ زده‌اند.

یکی از ازدواج‌های پیامبر اسلام ﷺ ازدواج آن حضرت ﷺ با زینب همسر سابق زید بن حارثه است. این ازدواج یک موضوع ساده و خالی از هرگونه ابهام است، ولی از آنجا که برخی از مستشرقان (ر. ک: گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب، ۱۳۳۴: ۱۲۰-۱۲۱؛ حدیدی، اسلام از نظر ولتر، ۱۳۷۴: ۶۲) (Watt, Muhammad at Medina, 330-331; Encyclopedia of the Quran, 5/506-521; Leaman, The Quran: an Encyclopedia, 637; Lecker, "Zayd B. Haritha". Encyclopaedia of Islam 11/475) آن را دستاویزی قرارداده و از این رهگذر در تضعیف ایمان مردمی کوشیده‌اند که از سیره پیامبر اکرم ﷺ آگاهی درستی ندارند. آنان با خیال‌پردازی مخصوص به این ازدواج که به منظور کوبیدن یک سنت باطل بود، رنگ «عشق و دلباختگی» داده و بسان رمان‌نویسان و داستان‌سرایان آنچه توانسته‌اند به یک تاریخ مجعول، پر و بال داده و آن را به ساحت پاک‌ترین فرد جهان انسانیت نسبت داده‌اند (سبحانی، فروغ ابدیت، ۱۳۶۳: ۶۰۹/۲)؛ از این‌روی، ضرورت دارد تا سخن آنان را مورد بررسی قرار دهیم.

پیشینه

مبحث ازدواج حضرت رسول اکرم ﷺ با زینب بنت جحش در تفاسیر قرآن کریم ذیل آیات ۳۶-۳۸ سوره احزاب (ر. ک: طبری، جامع البیان، ۱۰/۲۲؛ طوسی، التبیان، بی‌تا: ۳۴۲/۸؛ ابوالفتوح رازی، روض الجنان، ۱۴۰۸: ۴۲۵/۱۵؛ ابن شهر آشوب، متشابه القرآن و مختلفه، ۵/۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۶۰: ۵۶۴/۸؛ ابن عاشور، التحرير والتنوير، ۲۱/۲۵۸؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۹: ۳۷۷/۶؛ سیوطی، الدر المنثور، ۵/۲۰؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۶/۲۵؛ طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۳۲/۱۶) و نیز در برخی منابع تاریخی و سیره (ابن سعد،

الطبقات الكبرى، ۱۳۸۸: ۷۷/۶؛ ابن اثیر، تاریخ کامل، ۱۲۱/۲) به صورت پراکنده و به طور فشرده مورد اشاره قرار گرفته است؛ افزون بر آن، کتاب‌های مستقلاً نیز در این باره تدوین شده است؛ از جمله:

۱. کشف الغیب فی زواج النبی ﷺ بالسیدة زینب، او ثمرات المباحثة فی مسألة زید بن حارثة: ابن ایاس، محمد سعید بن محمد (م ۱۳۷۳).

مؤلف در این کتاب به اختصار و با بهره‌گیری از احادیث اهل تسنن بدون ذکر مرجع به موضوع ازدواج پیامبر ﷺ با زینب پرداخته است. وی احادیث ضعیف و مرسل را برای اثبات مطالب آورده است. همچنین مسئله را از نظر عقلی و نقلی بررسی کرده است. در این تحقیق مؤلف بیش از دو سوم از شواهد اهل تسنن استفاده کرده است و به نظرات مستشرقان اصلاً نپرداخته است.

۲. مع المفسرین و المستشرقین فی زواج النبی ﷺ بزینب بنت جحش؛ دراسة تحليلية: زاهر عواض الالمعی، ریاض، مطابع الفرزدق التجاریه، ۱۴۰۳ق، (ص ۱۲۷).

این کتاب نیز بر اساس روایات اهل سنت به نحو مستدل نوشته شده و مشتمل بر نکات تاریخی، تفسیری، شعری، روایی و عقلی است. مؤلف فقط از دیدگاه‌های اهل تسنن نقل کرده است. وی ضمن طرح دیدگاه‌های برخی مفسران و محدثان از جمله ابن جریر طبری، نظرات مستشرقان را نیز نقد نموده است.

(الف) شأن نزول آیه (داستان ازدواج پیامبر اکرم ﷺ با زینب بنت جحش)

رسول خدا ﷺ وقتی که خواست برای زید بن حارثه همسری شایسته از زنان عرب برگزیند تا در زندگی پشتیبان و تکیه‌گاه او باشد، برای به کمال رساندن احساس خود، زینب بنت جحش را که دختر عمه‌اش (امیمه دختر عبدالمطلب) بود، برای زید بن حارثه خواستگاری کرد. اما عبدالله برادر زینب با این وصلت مخالفت کرد و نپذیرفت که خواهرش به ازدواج زید درآید. به علاوه، زینب هم از اینکه به ازدواج مردی غیر از قریش که برده رسول خدا ﷺ بود، درآید، خرسند نبود؛ زیرا قریش بر حفظ نسب خود اصرار داشتند و وصلت با اقوام دیگر را شایسته خود نمی‌دانستند. اما چون دستور از جانب رسول خدا ﷺ صادر شده بود و مرد و زن مؤمن به حکم قرآن کریم نمی‌توانند از آن سرباز زنند و در این مورد اختیاری

از خود ندارند، هر دو به این ازدواج تن در دادند و زندگی مشترک را شروع کردند. کانون خانواده زینب بنت جحش و همسرش زید بن حارثه به تدریج از محبت لبریز می‌شد، اما پس از مدتی رابطه میان آن دو به سردی گرایید و سرانجام تصمیم به جدایی از یکدیگر گرفتند.

روزی زید بن حارثه به قصد شکایت از همسرش نزد رسول خدا ﷺ آمد و در مورد جدایی از او با آن حضرت مشورت کرد. حضرت ﷺ از این واقعه بسیار ناراحت و متأثر شد و به زید فرمود: ای زید، خداوند متعال وسایل ازدواج تو را پس از زحماتی که من متحمل شدم، فراهم نمود. تو به خوبی می‌دانی که زینب تا مدتی با این وصلت مخالف بود. اکنون انتظار صبر و شکیبایی بیشتری از تو دارم و امید است خداوند سبحان بار دیگر بین تو و او را اصلاح نماید. از خدا بترس و دامن او را به جدایی از همسر و ناسازگاری آلوده نساز.

حضرت محمد ﷺ در حالی این سخنان را بر زبان می‌راند که تقدیر الهی بر آن قرار گرفته است که این زن و مرد از یکدیگر جدا شوند و پس از مدتی زینب بنت جحش به عقد او در آید و این قانون خرافی عرب «که کسی حق ازدواج با همسر پسرخوانده خود را ندارد» لغو گردد. اما رسول خدا ﷺ پیوسته با تضرع به درگاه الهی، اصلاح بین این زوج را می‌طلبید تا شاید بدین ترتیب قضا رانده شود، ولی چنین چیزی ممکن نبود و فرمان خداوند متعال باید اجرا شود؛ لذا خدای تعالی به رسولش وحی کرد: ﴿وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تَخْفَى فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَ تَخْفَى النَّاسُ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ إِنَّ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾ (احزاب/۳۷)؛ «و (یاد کن) هنگامی را که به آن کس که خدا به او نعمت داده بود و (تو نیز) به او نعمت داده بودی (زید) می‌گفتی: همسرت را برای خود نگاه دار و خود را از (عذاب) خدا حفظ کن! و چیزی را در دلت پنهان می‌داشتی که خدا آشکار کننده آن است؛ و از مردم می‌هراسیدی در حالی که خدا سزاوارتر است که از او بهراسی. و هنگامی که زید نیاز (خویش) را از آن (زن) به پایان برد (و او را اطلاق داد)، او را به ازدواج تو درآوردیم، تا هیچ تنگی (و محدودیتی) برای مؤمنان (در ازدواج) با همسران پسر

خواننده‌هایشان نباشد هنگامی که نیاز (خود) را از آنان به پایان بردند (و آنها را طلاق دادند)؛ و فرمان خدا تحقق یافته است».

رسول خدا ﷺ فرمان خداوند متعال را فاش نمی‌کرد تا از طرفی با دعا و تضرع و شفاعت آن دو، شاید بین آنها را اصلاح نماید و از سرزنش مردم هم به خاطر دین خداوند متعال ترس داشت. آری، به درستی که این کار ساده‌ای نبود و هر کس جز رسول خدا ﷺ که ایمان و تقوا، جرأت و شجاعت با سرشت او درهم آمیخته بود، نمی‌توانست این سنت دیرینه عرب را درهم شکند و به عمر این باور خرافی و موهوم خاتمه دهد که او یگانه شخصیتی بود که به ریشه‌کنی عقاید پوچ و باطل همت گماشت و خرافات رایج در بین مردم را باطل نمود.

سرانجام از جدایی زید بن حارثه و زینب بنت جحش مدتی گذشت و عده زینب سپری شد و خداوند متعال زمینه ازدواج زینب با رسول خدا ﷺ را فراهم نمود. به همین دلیل زینب همواره در بین سایر همسران رسول خدا ﷺ فخر و مباهات می‌کرد که مقدمه ازدواج من و حضرت محمد ﷺ از جانب خداوند متعال مهیا شده است، ولی ازدواج شما در شرایطی عادی و توسط پدرانتان صورت گرفته است (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۳۸۸: ۷۷/۶؛ برای آگاهی بیشتر: ر.ک: طبری، ترجمه تفسیر طبری، ۱۴۳۶/۵-۱۴۳۷؛ طبرسی، ترجمه مجمع البیان، ۱۳۶۰: ۱۲۲/۲۰-۱۲۳؛ میبدی، کشف الأسرار و عده الأبرار، ۴۸/۸-۵۰؛ نمونه بینات در شأن نزول آیات، ۶۳۸-۶۳۹؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۶۱: ۳۱/۱۷).

این حادثه یکی از عقاید متعارف عرب را نقض کرد و سنت دیرینه و مألوف ایشان را تغییر داد؛ زیرا اعراب در آن دوران فرزند خوانده (ناپسری) را پسر حقیقی می‌شمردند و حقوق فرزندی برای او قائل بودند و قوانین ارث و نسب و تمام حکم پسر حقیقی را در مورد او رعایت می‌کردند و همین در ذهن ایشان جایگزین شده بود و تصور ابطال آن هم برایشان غیر ممکن بود. ولی رسول خدا ﷺ با دلیلی آشکار، این عادت خرافی را در هم شکست و آن را از بین برد.

ب) مستشرقان و داستان ازدواج پیامبر اسلام ﷺ با زینب بنت جحش

متأسفانه برخی پیرایه‌هایی که در متون تفاسیر و کتب روایی راه یافته، خوراک تبلیغاتی مناسبی در اختیار بعض مستشرقان و مبلغان مسیحی قرار داده تا آنان با خیال‌پردازی‌های

ویژه خود، به این ازدواج رنگ عشق و دلباختگی داده و از این رهگذر، چهره پیامبر اسلام ﷺ را به سان فردی ضعیف‌النفس و شهوت‌ران ترسیم کنند.

دکتر محمد حسنین هیکل در این باره می‌نویسد:

مستشرقان و مبلغان دین مسیح بانگ می‌زنند: نگاه کنید! محمد ﷺ که در مکه مردم را به قناعت و زهد و توحید و گذشتن از لذایذ این جهان ناچیز می‌خواند، مردی شهوت‌پرست شده که دیدن زنان اختیارش را از کف می‌برد و با آنکه سه زن در خانه داشت، باز هم سه زن گرفت و به این هم اکتفا نکرد و بعد از آنها نیز سه زن دیگر گرفت. به گرفتن زنان بی‌شوهر قناعت نکرد، به زینب دختر جحش که در قید ازدواج زید بن حارثه آزاد شده او بود، دل بست؛ برای آنکه یک روز در غیاب زید به خانه او گذشت و زینب از او استقبال کرد در آن هنگام زینب لباسی پوشیده بود که جمالش را آشکار ساخت و در دل محمد ﷺ کارگر شد به این جهت گفت: «سبحان مقلب القلوب» و هنگام بیرون رفتن این عبارت را تکرار کرد. زینب آن را بشنید و آثار عشق را در چشمان او بدید. بر خویشتن ببالید و آنچه را شنیده بود، به زید گفت. زید به فوریت پیش پیغمبر رفت و اظهار داشت که حاضر است زن خود را طلاق گوید. پیغمبر ﷺ بدو گفت: زن خود را نگه دار و از خدا بترس، ولی زینب پس از آن با زید ساخت و ناچار او را طلاق داد محمد ﷺ از گرفتن او خودداری کرد، ولی دلش بدو مشغول بود تا این آیه نازل شد: ﴿وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ...﴾ (احزاب/۳۷)؛ «و (یاد کن) هنگامی را که به آن کس که خدا به او نعمت داده بود و (تو نیز) به او نعمت داده بودی (زید) می‌گفتی: همسرت را برای خود نگاه دار و خود را از (عذاب) خدا حفظ کن!».

در این موقع، پیغمبر او را به زنی بگرفت و آتش عشق خود را فرو نشانید. این چه پیغمبری است؟... چگونه چیزی را که برای دیگران حرام کرده، بر خود روا می‌سازد؟ چرا قانونی را که می‌گوید خدا بر او فرستاده اطاعت نمی‌کند؟ چرا این قدر زن می‌گیرد و حرم‌سرای به وجود می‌آورد. تصور آن امیران هوس‌باز عیاش را به عوض پیغمبران پارسا و مصلح به خاطر می‌گذرانند؟ چرا تا این حد اسیر عشق زینب می‌شود که آزاد شده او، زید، طلاقش دهد تا او را بگیرد، این کار در جاهلیت حرام بود و پیغمبر مسلمانان به خاطر عشق و

برای اشباع هوس، آن را روا شمرد (حسنین هیکل، حیاة محمد ﷺ، بی تا: ۳۲۰-۳۲۵). باز هم دکتر محمد حسنین هیکل در این باره می گوید: خاورشناسان (مستشرقان) هنگامی که از این موضوع سخن می رانند، عنان خیال را از دست می دهند و آنچنان نسبت های شهوانی و دروغینی بر ساحت مقدس پیامبر اسلام ﷺ می بندند که قلم از نگارش آن شرم دارد. امثال این تصویرها که از ساخته های خیال است، در گفتار مویر، درمنگهام، واشنگتن ارونک، لامانس و سایر خاورشناسان و مبلغان مسیحی دیده می شود و متأسفانه تمام آنها در نقل های خود درباره حضرت محمد ﷺ و روابط او با زنان قصه های خیالی بافته اند (همان/۳۲۵).

در اینجا تنها به نمونه ای از نسبت های ناروای یکی از مبلغان مسیحی اشاره می کنیم: ... آری، داود در گناه زنا واقع شد! لکن بین دو داستان - پیامبر و داود - فرقی واضح و بزرگ است؛ چه، داود همسر فرزند خود را نگرفت (بلاغی، الهدی الی دین المصطفی، بی تا: ۳۱۳).

ج) شبهات خاورشناسان

عده ای از مستشرقان و مبلغان مسیحی با نشانه گرفتن انگشت اتهام به ساحت مقدس رسول خدا ﷺ سرّ ازدواج های او را علاقه و میل شدید جنسی و غریزه شهوت رانی و کامجویی جست و جو کرده و در این باره انواع شبهاتی را مطرح کرده اند که در ذیل به آنها می پردازیم.

شبهه اول: لذت گرایی

شایع ترین شبهه ای که نویسندگان غرب و مسیحی در مورد ازدواج های رسول خدا ﷺ ارائه می دهند، شبهه «لذت گرایی» است. مانند گوستاولوبون شرق شناس معروف فرانسوی، که در مورد علت ازدواج های رسول خدا ﷺ از کامجویی و ارضای غریزه جنسی یاد کرده و نوشته است:

تنها چیزی که موجب انتقاد این پیغمبر بی نظیر شده، علاقه او به زنان است. با اینکه تا سن پنجاه سالگی به همان زن نخستین خود (خدیجه) اکتفا کرده بود. این علاقه در سنین آخر زندگی آشکار شد، و آن جناب علاقه ای که به زنان داشت، هیچگاه پوشیده نمی داشت؛ زیرا از سخنان او است که می فرماید: «از دنیای شما دو چیز را دوست دارم: یکی زن و

دیگری بوی خوش، ولی آنچه که بیش از همه قلبم را قوت می‌دهد نماز است...»
(گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب، ۱۳۳۴: ۱۲۰-۱۲۱).

وی در ادامه می‌نویسد: «محمد به سن زنانی که می‌گرفت، اهمیتی نمی‌داد؛ زیرا عایشه را که وقتی به نکاح خود در آورد، سنش زیاد از ده سال نبود و میمونه دختر حارث را که به زنی گرفت، عمرش بالغ بر پنجاه و یکسال بود و محبت او به زنان چنان بود که روزی ناگهان چشمش به زن زید بن حارثه که پسر خوانده او بود، بیفتاد و میلی از آن در دل او پیدا شد؛ بدین خاطر، شوهرش زید بن حارثه آن زن (زینب) را طلاق گفت که پیغمبر با او ازدواج کند. مسلمانان از این جریان غم‌انده شدند. جبرائیل که هر روز نزد او می‌آمد، در این باره آیاتی فرود آورد که این کار به سبب مصلحتی بوده تا مردم سکوت کرده، دیگر سخنی به زبان نیاورند (همان).

بررسی و نقد

پاسخ نسبت‌های ناروای وی ذیل نکاتی بیان می‌گردد.

۱. نوشته است: «پیغمبر ﷺ بی‌نظیر». می‌پرسیم: بی‌نظیر در چه؟ با توجه به برشمردن اخلاق انسانی و اسلامی و کمالات رسول خدا ﷺ در همین کتاب، آیا نخواهی گفت: بی‌نظیر در زن دوستی به معنای شهوت‌رانی؟!

۲. نوشته است: «با اینکه تا سن پنجاه سالگی به همان زن نخستین خود (خدیجه) اکتفا کرده بود...» می‌پرسیم: پیامبر گرامی اسلام ﷺ چند ساله بود که با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کرد؟ حتماً جواب خواهی داد بیست و پنج سال. می‌گوییم آیا در این سن، جز به «محمد امین» شهرت دیگری هم داشته است؟ رسول اکرم ﷺ با وجودی که بیست و پنج سال بیشتر نداشت، با حضرت خدیجه علیها السلام که چهل سال داشت، ازدواج کرد و تمام مدت بیست و پنج سالی که حضرت خدیجه همسر او بود، هرگز کسی را به همسری خویش انتخاب نکرد، بلکه پس از مرگ حضرت خدیجه علیها السلام چند زن اختیار کرد. اگر وی پایبند شهوت بود، معمولاً تا سن چهل سالگی که دوران تکامل و تحول است، باید خصوصیات اخلاقی خود را اظهار می‌ساخت و نمونه‌های بارزی را در آن دوران از خود باقی می‌گذاشت؛ لذا هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد که تا پنجاه سالگی از هرگونه لذایذ چشم‌پوشد و در آن سن

یک مرتبه عوض شود و مانند جوانان عادی عنان دل خود را در راه عشق (آن هم عشق کسی که زن غلام آزاد شده وی باشد) از کف بدهد.

آیا در بیست و پنج سالگی تا پنجاه سالگی که ده سالش در دوره پیامبری او در مکه است، افزون بر آن همه نسبت‌های ناروای سران قریش و مشرکان از قبیل کذاب و مجنون و ساحر و...، کسی به وی نسبت - العیاذ بالله - بی‌غیرت و هوس‌ران و بی‌عفت داده است؟ در حالی که آن حضرت ﷺ که همه پیشنهادهای مادی و دنیوی قریش در راه اعتلای کلمه مبارکه «لا اله الا الله» دست رد زد.

مشرکان قریش به منظور تطمیح پیامبر اسلام ﷺ پیشنهادهایی از جمله ازدواج را ارائه دادند. آنان گفتند: آماده‌ایم بهترین دختر عرب را به عقد تو در آوریم، به شرطی که از آیین خویش دست برداری. پیامبر اسلام ﷺ این پیشنهادها را رد کرد و نپذیرفت.

۳. نوشته است: «این علاقه (به زنان) در سنین آخر زندگی او آشکار شد». می‌پرسیم: سنین آخر زندگی یعنی ده سال آخر عمر آن حضرت ﷺ در مدینه؛ سال اول هجری که سرگرم تحکیم مبانی حکومت اسلامی و ساختن مساجد و پرداختن به صلح میان قبایل است. سال‌های دوم هجری تا روز رحلت که بیش از هشتاد و چهار جنگ (از بدر تا حنین) را ابوسفیان، ابو جهل‌ها، ابولهب‌ها و منافقان و یهودیان بر آن حضرت ﷺ تحمیل کرده‌اند!

از زن‌ها جز عایشه، همه بیوه و پیره زن هستند. با این اوصاف، در کدام زمان و مکان و با کدام روحیه زن دوستی مورد نظرتان را عملی کرده است؟! در حالی که دوره نشاط و جوانی‌اش را در کوه‌های مکه به شبانی و مناجات و همسری با حضرت خدیجه علیها السلام و فشار مشرکان سر کرده است و تا حضرت خدیجه علیها السلام زنده بود زنی دیگری اختیار نکرد.

۴. می‌نویسد: «محبت به زنان چنان بود که روزی ناگهان چشمش به زن زید (پسر خوانده خود) افتاد». زن زید بن حارثه (زینب بنت جحش)، دختر عمه حضرت رسول اکرم ﷺ بوده است. چگونه ممکن است که آن حضرت ﷺ تا آن تاریخ (سال پنجم هجری) دختر عمه‌اش را ندیده باشد. آیا این است تصور یک دانشمند منصف از پیامبری بی‌نظیر که سرآمد زاهدان و پاکان عالم است؟ خوب است که حدّ اقل نوشته است: «این کار به خاطر مصلحتی بوده است».

مگر این زینب قبل از اینکه به ازدواج زید بن حارثه در آید و در آن زمان که دختری باکره بود، در اختیار رسول خدا ﷺ نبود. اگر تمایلی به ازدواج با زینب بنت جحش داشت، از او خواستگاری می کرد نه اینکه بعد از سیزده سال که از ازدواج زینب می گذرد و از رونق جوانی و طراوت و زیبایی او کاسته شده، تمایل به او پیدا کند.

تاریخ مزبور با سند قطعی اسلام و مسلمانان مخالف است؛ زیرا قرآن کریم به شهادت آیه ۳۷ سوره احزاب می گوید: «ازدواج پیامبر اسلام ﷺ با زینب بنت جحش به منظور ابطال سنت باطل عرب بود که کسی حق ندارد همسر پسر خوانده را بگیرد و آن هم به فرمان خداوند متعال صورت گرفته است، نه به منظور علاقه مندی و دلباختگی». دیگر اینکه هیچ کس این مطلب را در صدر اسلام تکذیب نکرده است. اگر گفته قرآن کریم بر خلاف حقیقت بود، فوراً یهودیان و مسیحیان و منافقان، به انتقاد برخاسته، جنجالی به راه می انداختند، در صورتی که چنین جریانی از دشمنان او که پیوسته در کمین وی بودند، شنیده نشده است.

زینب دختر عمه پیامبر اسلام ﷺ بود و در محیط خانوادگی تقریباً با او بزرگ شده بود. پیامبر اسلام ﷺ شخصاً او را برای زید بن حارثه خواستگاری کرد و اگر زینب جمال فوق العاده ای داشت و فرضاً جمال او توجه حضرت ﷺ را جلب کرده بود، ازدواج با او قبل از این ماجرا مشکلی نداشت، بلکه با توجه به اینکه زینب هیچ گونه تمایلی برای ازدواج با زید بن حارثه نشان نمی داد و مخالفت خود را صریحاً بیان می کرد، کاملاً ترجیح می داد همسر پیامبر اسلام ﷺ شود، به طوری که وقتی پیامبر اسلام ﷺ به خواستگاری او برای زید رفت، خوشحال شد؛ زیرا تصور می کرد پیامبر اسلام ﷺ او را برای خود خواستگاری می کند. اما با نزول آیه ۳۶ سوره احزاب و امر به تسلیم در برابر فرمان خداوند متعال و پیامبر اسلام ﷺ، تن به ازدواج با زید بن حارثه داد.

با این مقدمات، چه جای این توهم است که پیامبر ﷺ از جمال زینب با خبر نباشد؟ چه جای این پندار باطل که پیامبر ﷺ تمایل ازدواج با او را داشته باشد و نتواند اقدام کند؟! هنگامی که زید برای طلاق دادن همسرش به پیامبر اسلام ﷺ مراجعه می کند، حضرت بارها او را نصیحت می کند و مانع این طلاق می شود. این خود شاهد دیگری بر نفی این افسانه هاست. محمد حسنین هیکل در این باره می نویسد:

محمد ﷺ هفده سال پیش از بعثت و یازده سال پس از آن با خدیجه ﷺ زندگی می‌کرد و هیچ وقت به فکر نیفتاد جز او کسی را در زندگی خویش شریک سازد. در آن عصر زن‌ها حجاب نداشتند و زینت خود را آشکار می‌ساختند. بعدها اسلام این کار را حرام کرد. با وجود این، محمد ﷺ کسی نبود که به زیبایی زن‌ها فریفته شود و در زندگانی خدیجه ﷺ و پیش از ازدواج با او، این کار از او معروف نبود (حسنین هیکل، حیاة محمد ﷺ، بی تا: ۳۱۸).

۵. حیا و عفت و اخلاق آن بزرگوار بی نظیر بوده است؛ اگر صفحات تاریخ و سیره آن جناب را مورد بررسی دقیق قرار گیرد، ملاحظه می‌شود که رسول خدا ﷺ در حیا و عفت و در اخلاق بی نظیر بوده و همین حیا و عفت ایشان سبب شد که حضرت خدیجه ﷺ پیشنهاد ازدواج خود را به آن حضرت ﷺ بدهد و تمام ثروت خود را در اختیار ایشان قرار دهد. اگر تاریخ را با دقت مطالعه کنیم، باز دیده می‌شود که در آن زمان، رسول خدا ﷺ را به عنوان محمد امین ﷺ می‌شناختند. اگر غیر از این بود، سران قریش و مشرکان از این طریق وارد می‌شدند و این شخصیت بزرگ را از پا در می‌آوردند. در تاریخ می‌خوانیم اینان هر چه از ذهنشان خطور می‌کرد، مانند مجنون، ساحر و کذاب و... درباره این شخصیت بزرگوار بیان کردند. اما در هیچ جایی از صفحات تاریخ دیده نمی‌شود که کسی به آن حضرت ﷺ زن‌بارگی و شهوترانی نسبت داده باشد.

حضرت محمد ﷺ از کودکی تا دوران سال‌خوردگی، به عفت و پاکدامنی شهرت داشت و کسی در تاریخ سراغ ندارد که وی در جوانی آلوده به شهوات و تمایلات جنسی شده باشد و هرگز درباره او شنیده نشده که اهل لَهو و لعب و یا خوش‌گذرانی باشد و یا با زنان سر دوستی داشته باشد؛ در صورتی که دشمنان حضرت ﷺ پافشاری داشتند تا هر عیب و نقصی را که احتمال بدهند در پیامبر هست، بزرگ جلوه دهند تا نسبت به رسالت حضرت ﷺ در مردم ایجاد شک و شبهه نمایند، ولی در دوران آن حضرت ﷺ چنین تهمت‌هایی به آن بزرگوار نزدند.

اسماء دختر ابوبکر، خواهر عایشه بود، به خانه پیامبر اکرم ﷺ آمد، در حالی که جامه‌های نازک و بدن‌نما پوشیده بود. پیامبر اکرم ﷺ روی خویش را از او برگرداند و فرمود:

«یا اسماء ان المرأة إذا بلغت المحيض لم تصلح ان یری منها الا هذا و هذا - و اشار الی کفه و وجه؛ ای اسماء! همین‌که زن به حد بلوغ رسید، سزاور نیست چیزی از بدن او دیده شود مگر

این و این - اشاره فرمود به چهره و قسمت میج با پایین دست خودش» (مطهری، مسئله حجاب، ۱۳۷۳: ۱۵۹).

در حجة الوداع، زنی برای پرسیدن مسئله‌ای خدمت رسول گرامی ﷺ آمد. فضل بن عباس پشت سر رسول گرامی ﷺ سوار اسب بود. نگاه‌هایی بین آن زن و فضل بن عباس ردّ و بدل شد. رسول گرامی ﷺ متوجه شد که آن دو به هم خیره شده‌اند و زن جوان به جای توجه به جواب مسئله، همه توجه‌اش به فضل بن عباس است که جوانی نارس و زیبا بود. رسول گرامی ﷺ با دست خود صورت فضل بن عباس را چرخانید و فرمود: «زنی جوان و مردی جوان، می ترسم شیطان در میان ایشان پا بنهد» (همان، ۲۳۷-۲۳۸).

رسول گرامی اسلام ﷺ از زنان بیعت گرفت، ولی با آنها مصافحه نکرد؛ لذا دستور داد ظرف آبی آورند، دست خود را در آن فرو برد و دستور داد زنان دست خویش را در آب فرو برند و همین را بیعت شمرد. این جریان، مورد اتفاق مورخان و مفسران است، مورخان ضمن وقایع فتح مکه و مفسران ذیل آیه ۱۲ سوره ممتحنه ذکر کرده‌اند (ر.ک: ابن اثیر، الکامل، ۲/۲۵۳؛ ابن سعد، الطبقات، ۱۳۸۸: ۳/۸؛ ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان، ۱۴۰۸: ۱۷۱/۱۹؛ میبیدی، کشف الاسرار، ۷۶/۱۰؛ طبرسی، مجمع البیان، ۴۱/۹؛ کلینی، الکافی ۵/۵۲۶).

عایشه گفته است: هرگز دست پیامبر اسلام ﷺ در همه عمر، دست یک زن بیگانه را لمس نکرد (بخاری، صحیح البخاری، ۲/۹۴). در روایتی هم از عایشه پرسیدند: اخلاق رسول گرامی اسلام ﷺ چگونه بود؟ پاسخ داد: اخلاق حضرت ﷺ اخلاق قرآنی بود: «کان خلق رسول الله القرآن» (مسلم، صحیح مسلم، بی تا: ۷۴۶؛ حقی بروسوی، تفسیر روح البیان، بی تا: ۳/۲۹۹).

متأسفانه در این باره نمی‌توان از ابراز شگفتی خوداری کرد که بعضی از نویسندگان غربی به روایت‌های بی‌پایه دروغ‌پردازانی که به انگیزه بی‌اعتبار کردن شخصیت پیامبر اسلام ﷺ گزارش‌هایی را نقل می‌کنند، اهمیت داده، آن را به عنوان سند تاریخ اسلام بیان می‌کنند! اما به آیات قرآن کریم که همگان آن را مطمئن‌ترین و معتبرترین سند تاریخ اسلام می‌شناسند و به این سند که با صراحت، هدف این ازدواج را بیان کرده است، توجهی نشان نمی‌دهند و

به آن استناد نمی‌کنند!

۶ نوشته است: «... از دنیای شما دو چیز را دوست دارم: یکی زن و دیگری بوی خوش، ولی آنچه که بیش از همه قلبم را قوت می‌دهد، نماز است.»

به طور کلی، برخی از این روایت پیامبر اسلام ﷺ که فرموده است: «حُبَّ الیِّ مِنْ دُنْیَاکُمْ ثَلَاثٌ: النِّسَاءُ وَ الطَّیِّبُ وَ جُعِلَتْ قَرَّةُ عَیْنِی فِی الصَّلَاةِ؛ من از دنیای شما سه چیز را دوست دارم؛ بوی خوش، زنان و نماز که نور چشم من است» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴: ۱۴۱/۷۶).

نتیجه گرفته‌اند که ازدواج‌های حضرت پیامبر اسلام ﷺ در سنین آخر زندگی، جنبه لذت‌گرایی و شهوانی داشت. در پاسخ اینان باید گفت این برداشت و تحلیل، با شواهد تاریخی همسو نیست، بلکه وضع اجتماعی - فرهنگی شبه جزیره عربی به گونه‌ای بود که زن را خوار و بی‌ارزش می‌پنداشتند و علاقه‌ای به دختر نداشتند و هر گاه از تولد دختری خبردار می‌شدند، به سوی زنده به گوری دختران گام بر می‌داشتند (نحل/۵۸). نسل دختری خویش را قبول نداشتند و عرب‌های جاهلی نسبت به دختر، بلکه جنس زن بی‌علاقه بودند؛ چون در محیطی که دائم مردم با هم به جنگ و خونریزی مشغول بودند و هر کس هر قدر که می‌توانست، به دیگران ظلم روا می‌داشت، خوف داشتند که در جنگ، دختران اسیر شوند و باعث ننگ آن طایفه گردند. نیز به جهت وضع بد اقتصادی و اینکه دختران به فحشا رو می‌آوردند و... به دختر علاقه‌ای نداشتند، بلکه دخترداری را ضد ارزش می‌شمردند و بعضاً به زنده به گور کردن دختران رو می‌آوردند؛ لذا پیامبر ﷺ در برابر این همه ظلم و ستم به زنان، به مبارزه برخاست، زنده به گوری دختران را گناهی بزرگ و نابخشودنی برشمرد، به زنان ارزش و احترام داد و در پیشگاه خداوند متعال تقرب و برتری را تقوا قرار داد نه جنسیت را و کوشید تا با طرق ممکن آن وضع ناشایسته را برطرف نماید. آن حضرت ﷺ در همین مسیر تبعیض‌زدایی و شخصیت دادن به زنان است که می‌فرماید من زنان را دوست دارم و این دوستی را در کنار دوستی و علاقه به نماز قرار می‌دهد.

بنابر این، روایت مربوط به محبت زنان در راستای احترام به شخصیت زنان و طرد تفکر جاهلی نسبت به زن و نیز رد رهبانیت و ارج نهادن به ازدواج است و نباید این نکته را با شهوت‌گرایی و لذت‌گرایی و زن‌بارگی خلط نمود.

فراموش نکنیم عرب جاهلی آن گاه که با خبر می شد، همسرش دختر زاییده، از ناراحتی چهره اش سیاه می شد و در پی زنده به گور کردن دخترش بود! در آن فرهنگ و محیط، زن باردار، زایمانش که نزدیک می شد، به کنار گودالی می رفت و کنار آن می نشست. اگر نوزادش دختر بود، او را داخل گودال رها می کرد (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۶۰: ۲۷۷/۱۰؛ نیز ر.ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۶۱: ۲۷۲/۱۱-۲۷۳).

قیس بن عاصم، بزرگ قبیله بنی تمیم نیز نزد پیامبر ﷺ آمد و مسلمان شد. روزی خدمت آن حضرت رسید تا بار گناه سنگینی را که بر دوش داشت. سبک کند. عرض کرد: در گذشته گروهی از پدران ما بر اثر جهل و بی خبری، دختران بی گناه خود را زنده به گور می کردند. من نیز متأثر از آن فرهنگ جاهلی، دوازده دختری را که نصیبم شده بود، زنده به گور کردم! وقتی همسر سیزدهمین دخترم را مخفیانه به دنیا آورد، وانمود کرد که نوزادش مرده به دنیا آمده است، ولی او را نزد اقوام خود فرستاده بود. پس از مدتی که از ماجرا آگاه شدم، او را با خود به نقطه ای بردم و بی اعتنا به خواهش و التماس و گریه او، زنده به گورش کردم. پیامبر اسلام ﷺ از شنیدن این ماجرا سخت ناراحت شد و در حالی که اشک می ریخت، فرمود: «مَنْ لَا يَرْحَمُ، لَا يُرْحَمُ؛ کسی که رحم نکند، به او رحم نمی شود». سپس رو به قیس کرد و فرمود: روز بدی در پیش داری (همان، ص ۲۷۳-۲۷۴).

در چنین اوضاعی پیامبر اسلام ﷺ به زن شخصیت داد و گفت: «بین پسر و دختر تفاوتی در انسانیت نیست. دختر حسنه است؛ هر که سه دختر را بزرگ کند و پرورش بدهد، بهشت بر او واجب می شود» (ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ۱۹۸۳: ۲۵۴/۱).

افزون بر این، رسول گرامی اسلام ﷺ خواسته است با این روایت و روایات مشابه، به مسلمانان قبول کنند که آیین اسلام با رهبانیت و ترک زنان همسو نیست، بلکه یک مسلمان هم باید ازدواج کند و از بوی خوش استفاده کند و هم به عبادت خداوند متعال بپردازد و نماز بخواند؛ زیرا در گزارش های تاریخ اسلام آمده است که چند نفر از اصحاب به منظور تزکیه نفس و جلب رضای خداوند متعال، همبستری با زنان را بر خود حرام نمودند. ام سلمه همسر پیامبر ﷺ از تصمیم آنان با خبر شد و جریان را به اطلاع ایشان رسانید حضرت ﷺ به میان اصحابش رفت و فرمود: «اترغبون عن النساء انی آتی النساء و اکل بالنهار و انام باللیل فمن

رغب عن سنتی فلیس منی؛ آیا زنان خود را ترک گفته‌اید؟ و از آنان اعراض کرده‌اید؟ من نزد زنان می‌روم، روز غذا می‌خورم و شب را می‌خوابم. هر کس از سنت من روی گرداند، از من نیست» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۱۳: ۲۱/۲۰؛ طباطبایی، سنن النبی، ۱۴۱۷: ۱۴۶).

نتیجه سخن این است که روایات مربوط به محبت زنان را می‌توان با دو هدف ترک رهبانیت و طرد فرهنگ جاهلی تفسیر نمود. اگر در کلام پیامبر ﷺ آمده است که زنان را دوست می‌دارم، محبت و دوست داشتن زن، در راستای شخصیت دادن به بانوان است نه چیز دیگر.

۷. دو تن از همسران پیامبر ﷺ به نام‌های جویریّه و صفیه از آغاز کنیز آن حضرت ﷺ بودند (ابن سعد، طبقات، ۱۳۸۸: ۱۳۲/۸؛ ابن ابی عاصم، الضحاک، الاحاد و المثانی، ۴۳۶/۵-۴۳۷). همان گونه که رابطه و لذت جنسی از همسر رواست، از کنیز نیز روا بود (مؤمنون/۶؛ احزاب/۵۲؛ معارج/۲۹-۳۱). اما پیامبر ﷺ نه تنها با آنان ارتباط جنسی نداشت، بلکه آنان را آزاد و سپس با درخواست آنان با آن دو ازدواج کرد. اگر هدف پیامبر اسلام ﷺ از ازدواج، رابطه جنسی و لذت‌گرایی بود، این امر بدون ازدواج با آنان نیز مهیا بود و ایرادی هم نداشت؛ بنابراین، نمی‌توان پذیرفت که ازدواج‌های آن حضرت ﷺ با هدف شهوت‌رانی و میل به خوش‌گذرانی بوده است.

اگر لذت‌گرایی و خوش‌گذرانی انگیزه آن حضرت بود، می‌بایست جهت‌گیری‌هایش در گزینش همسر، این ادعا را اثبات کند. در حالی که آن حضرت در پی زنان زیبا و جذاب از جهت امور جنسی نبود. حتی به خواستگاری برخی از زنان مسنی مانند ام سلمه رفت و او تعجب نمود در این سن و سال که کسی حاضر به ازدواج با او نیست، چرا پیامبر دنبال زنان جوان نمی‌رود؟ و به خواستگاری او (ام سلمه) کسی را فرستاده است (رسولی محلاتی، زندگانی حضرت محمد ﷺ، ۱۳۸۹: ۳۹۹).

۹۹ آنانی که با انگیزه کامیابی جنسی و لذت‌گرایی به ازدواج‌های متعدد رو می‌آورند، ماهیت زندگی آنان به گونه‌ای دیگر است. آنان به زرق و برق ظاهری زندگی، لباس و زینت زنان و رفاه و خوشگذرانی رو می‌آورند، در حالی که سیره و زندگی پیامبر اسلام ﷺ خلاف این را نشان می‌دهد. پیامبر اسلام ﷺ در برابر خواست همسران خویش در مورد زرق و برق زندگی، آنان را مخیر کرد که یا همین ساده‌زیستی را برگزینند و به عنوان همسر پیامبر باقی

بمانند و یا از حضرت ﷺ طلاق بگیرند و دنبال زرق و برق زندگی بروند (ر.ک: احزاب/۳۸). کوتاه سخن اینکه ازدواج‌های پیامبر اسلام ﷺ را اگر با دید شهوانی و خوش‌گذرانی بنگریم، همان‌گونه که از لابه‌لای نوشته این مستشرق پیداست، در تفسیر و تحلیل با چالش‌های جدی‌رو به رو می‌شویم که چرا تا پنجاه سالگی تنها با حضرت خدیجه علیها السلام زندگی کرد؟ چرا در سخت‌ترین اوضاع به تعدد زوجات رو آورد و به گفته همین نویسنده در یک سال، آن هم پس از جنگ احد که اوضاع بس سخت و بحرانی بود، به چهار ازدواج رو می‌آورد؟ چرا از بین قبایلی که در دشمنی با پیامبر اسلام ﷺ و مسلمانان معروف بودند، مانند یهود و قریش، همسر گرفت، اما از قبایلی که به دوستی و وفاداری با پیامبر اسلام ﷺ و مسلمانان شناخته شده بودند، مانند قبایل انصار، همسری نگرفت؟ چرا با زنان بیوه و یتیم دار ازدواج کرد نه با دختران خوش‌سایم؟

اگر به این چراها و سؤال‌ها دقت شود و پاسخ درست پیدا شود، به روشنی معلوم می‌گردد متهم کردن پیامبر اسلام ﷺ به لذت‌گرایی و شهوت‌پرستی بی‌انصافی است! به گفته توماس کارلایل، به رغم دشمنان، محمد صلی الله علیه و آله هرگز شهوت پرست نبود. از روی عناد و دشمنی، دشمنان او را به شهوت‌رانی متهم نموده‌اند و این تهمت زهی بی‌انصافی است (کارلایل، الإبطال، ۱۰۸؛ به نقل از: عاشوری لنگرودی، همسران پیامبر، ۱۳۸۸: ۷۴).

شبهه دوم: محمد صلی الله علیه و آله در جست‌وجوی پسر

برخی از مستشرقان و مبلغان مسیحی می‌گویند دلیل ازدواج‌های محمد صلی الله علیه و آله این بوده است که ایشان فرزند پسر داشته باشد. نویسندگان غربی رویکرد پیامبر اسلام ﷺ را در مورد ازدواج‌های متعدد، تلاش برای پسر دار شدن تفسیر و تحلیل کرده‌اند.

ماکسیم رادیسون می‌گوید: ... اعراب و همچنین اقوام سامی از نداشتن فرزند ذکوری (پسر) که وارث آنها بشود، بسیار رنج می‌بردند تا جایی که چنین شخصی را «ابتر» می‌نامیدند که تقریباً معنای «ناقص» می‌دهد. محمد صلی الله علیه و آله از این ناراحتی به شدت رنج می‌برد؛ زیرا خدیجه نتوانسته بود فرزندی ذکور برایش بیاورد (انصاری، کوروش بزرگ و محمد صلی الله علیه و آله بن عبدالله، بی‌تا: ۲۷۸-۲۷۹).

جان دیون پورت در خصوص چند همسری پیامبر اسلام ﷺ ضمن رد نظریه لذت‌گرایی و

شبهوت‌رانی، احتمال می‌دهد که تعدد همسران ناشی از میل به پسر دار شدن است. ایشان می‌نویسد: ... آیا نمی‌توان در مورد تعدد زوجات پیامبر اسلام ﷺ بیشتر بر این احتمال تکیه کرد که محمد ﷺ زن‌های متعددی را که در دوران اواخر زندگی‌اش اتخاذ نمود، ناشی از این میل و رغبت بوده است که پسری داشته باشد (دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد ﷺ و قرآن، ۵۲).

بررسی و نقد

جان دیون پورت برخلاف دیگر خاورشناسان هدف از ازدواج‌های پیامبر اسلام ﷺ را به شبهوت‌رانی و زن‌بارگی متهم نکرده، بلکه کوشیده است حضرت ﷺ را از آنها تبرئه نماید و تلاش ایشان را برای دستیابی به فرزند پسر اعلام نماید، لیکن این دیدگاه، از حقیقت دور است و نمی‌توان آن را پذیرفت و در نقد این سخن باید به چند نکته اشاره کرد:

۱. یک محقق در تحلیل تاریخی نمی‌تواند تنها با احتمال، یک حادثه را تحلیل کند، بلکه باید مستند و مستدل تحلیل کند، این سخن جان دیون پورت درباره انگیزه تعدد زوجات پیامبر اسلام ﷺ تنها احتمال و ادعایی است که هیچ شاهد صدقی به حمایت از آن بر نمی‌خیزد.

۲. نه تنها این احتمال شاهد صدقی ندارد، بلکه شواهدی بر نادرستی آن دلالت محکمی دارد. پیامبر اسلام ﷺ با فرهنگ جاهلی مبارزه کرد و با تمام وجود و تمام امکانات کوشید تا فرهنگ بی‌ارزش شمردن دختران و زنان را باطل کند؛ لذا با زنده به گوری دختران مبارزه کرد، به زنان شخصیت داد، در راه تعالی و تقرب به خداوند سبحان تنها معیار برتری و تفاوت میان آن دو را تقوا قرار داد و بر خلاف آنان که می‌پنداشتند نسل آنان تنها از طریق پسر است، آن حضرت ﷺ فرزندان حضرت زهرا علیها السلام را فرزندان خود خواند و دست یگانه دخترش را می‌بوسید. حکمت خداوند حکیم نیز بر این تعلق گرفت که نسل آن حضرت ﷺ تنها از طریق دختر وی باشد تا بهترین دلیل برای پذیرش نسل دختری باقی بماند و... همه این امور، شواهد گویایی است که آن حضرت ﷺ به جهت پسریابی به ازدواج‌های متعدد روی نیاورد.

۳. برخی از زنان آن حضرت ﷺ در سنین پیری به همسری پیامبر ﷺ درآمدند که در این سن و سال انتظار تولد فرزند از آنان وجود نداشت؛ مانند ام سلمه که هنگام خواستگاری

گفت: «در سنی قرار دارم که مردان رغبت نمی کنند با من ازدواج کنند یا ازدواج پیامبر ﷺ با میمونه که بنا به نقل ابن حجر عسقلانی، در هنگام ازدواج با آن حضرت ﷺ پنجاه و یک سال داشت (ابن حجر عسقلانی، الاصابة فی تمییز الصحابة، ۱۳۲۸: ۳۹۸/۴).

۴. برخی از زنان پیامبر ﷺ پیش از ازدواج با آن حضرت ﷺ، کنیز آن حضرت ﷺ بودند. اگر هدف پیامبر اسلام ﷺ پسر دار شدن بود، این کار از طریق رابطه زناشویی با کنیز، ممکن، مشروع و قانونی بود؛ در حالی که پیامبر ﷺ ابتدا آنان را آزاد و سپس با درخواست آنان با آنها ازدواج کرد. از اینجا معلوم می شود که حضرت ﷺ با هدف دیگری ازدواج کرد نه با هدف پسر دار شدن؛ چرا که این امر با ملک یمین (کنیز) نیز مقدور بود.

۵. اگر پیامبر اسلام ﷺ در صدد جست و جوی فرزند پسر بود، چرا به این کار در اوایل زندگیش نپرداخت؟ وقتی که با حضرت خدیجه ٱلیکا بیست و پنج سال زندگی مشترک داشت، چرا به جست و جوی پسر نبود و برای این منظور، همسری دیگر اختیار نکرد.

۶. اگر پیامبر اسلام ﷺ با هدف پسر دار شدن به ازدواج های متعدد رو آورده بود، می بایست در همان زمانی که پسرش را از دست داده بود، به این کار اقدام می کرد. چرا این کار را در اواخر عمر دنبال کرد؟

شبهه سوم: تعدد زوجات پیامبر اسلام ﷺ و تجرد حضرت عیسی ٱلیس

جامعه مسیحیت و کلیسا بر تجرد و عزوبت به عنوان آرمانی والا به خصوص از آن جهت که حضرت عیسی ٱلیس از دواج نکرد، تأکید می ورزند. راهبها، راهبه ها و کشیشان مذهب کاتولیک نذر می کنند که همیشه مجرد، دوشیزه و بی همسر بمانند و می گویند: اگر انسان بتواند با غریزه جنسی مبارزه کند و به ازدواج تن ندهد و رهبانیت را برگزیند، بسیار ارزشمند است. از نگاه آنان کمال انسان با عزوبت و ازدواج نکردن گره خورده است و اگر فردی بخواهد به مقامات عالی معنوی و روحانی نایل گردد، از جمله اسقف یا پاپ شود، می بایست ازدواج نکند و همسری نداشته باشد. پولس رسول که دومین مؤسس جامعه مسیحیت و پایه گذار کلیساست، می گوید: «مؤمنان عیسوی را از زن و مرد شایسته است که به تجرد و تفرّد زندگی کنند و دوشیزه و بی همسر بمانند» (بی ناس، تاریخ جامع ادیان، ۱۳۷۳: ۶۳۹).

به همین دلیل، برخی از مستشرقان و مسیحیان در طعن بر پیامبر اسلام ﷺ بین آن

حضرت ﷺ و حضرت عیسیٰ ﷺ چنین مقایسه می‌کنند که حضرت عیسیٰ ﷺ مجرد زیست و ازدواج نکرد، بر خلاف پیامبر ﷺ شما که در مسائل جنسی و شهوانی افراط کرده است!

بررسی و نقد

۱. عزوبت و ازدواج نکردن با نظام خلقت سازگاری ندارد؛ لذا اسلام از آن نهی کرده است. از نظر اسلام، ازدواج نه تنها ضد ارزش و فرایندی دنیاگرایانه نیست، بلکه ارزشمند است و از سازندگی و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲. حضرت مسیح ﷺ در سه سالی که مبعوث به رسالت بود، تنها برای اعلان خبر از ملکوت سماوات و رفع برخی از تحریفات یهودیان بر بنی اسرائیل فرستاده شد.

البته طبق گواهی تاریخ، حضرت عیسیٰ ﷺ هرگز ازدواج نکرد، [۱] اما این هرگز به سبب مخالفت او با این امر نبود، بلکه عمر کوتاه مسیح ﷺ به اضافه اشتغال مداوم او به سفرهای تبلیغی به نقاط مختلف جهان به او اجازه این امر را نداد. حضرت عیسیٰ ﷺ چون در زمانی بود که یهودیان بیش از اندازه اهل دنیا و دنیاپرستی شده بودند، برای مبارزه با افزون‌طلبی‌ها و دنیازدگی‌ها، به سیر و سیاحت و هدایت مردم پرداخت و فرصت پیدا نکرد ازدواج کند. شاید همین عامل باعث شده است که این پیامبر الهی در آن زمان از تشکیل خانواده سرباز زند.

۳. از آنجا که پیامبر اسلام ﷺ برخلاف حضرت عیسیٰ ﷺ مأمور به تشکیل حکومت در سطح گسترده بود، ازدواج‌های متعدد ایشان طبق اقتضات و مصالح بوده است.

۴. پیامبر اسلام ﷺ دینی جهانی داشته و لذا تعلیماتش جهانی بوده است و این‌گونه تعلیمات با عزوبت و ازدواج نکردن سازگاری ندارد.

۵. اگر حضرت عیسیٰ ﷺ مبادرت به زناشویی نکرد یا دستور الهی بوده یا مصلحتی در کار بوده است؛ به همین دلیل، پیروانش عمل او را تعقیب نکردند. ازدواج کردن امری واجب نیست، اگرچه کار پسندیده‌ای است ولی تشخیص این مطلب نیز با خود حضرت عیسیٰ ﷺ به عنوان پیامبر الهی بود.

ازدواج کردن با نظام طبیعت و فطرت مطابقت دارد. از فحشا و فساد جلوگیری می‌کند، و به طور مسلم، هیچ قانونی در موضوع ازدواج با اندازه قانون اسلام جامع و کامل نیست.

نتیجه

۱. بسیاری از مفسران و قرآن پژوهان فریقین، ضمن بررسی و نقد روایات تفسیری، به بساخته و اسرائیلی بودن روایات ذیل داستان ازدواج پیامبر اکرم ﷺ با زینب تصریح کرده‌اند (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: دیاری، پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر قرآن، ۱۳۸۳: ۳۱۵-۳۲۲)، برخی از جمله علی بن نایف شحود، ریشه این افسانه را در بین راهبان، یوحنا دمشقی می‌داند (علی بن نایف الشحود، المفصل فی الرد علی شبهات أعداء الإسلام، ۲۹۰/۱۰؛ ذهبی، الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث، ۱۴۰۵: ۲۱؛ به نقل از: محمد ابوزهره، مجله لواء الاسلام، ۵۰۲/۸).

۲. بدون کوچک‌ترین تردید می‌توان فهمید که همسرگزینی‌های پیامبر ﷺ جنبه ارضای غرایز نفسانی و خوش‌گذرانی نداشته است؛ زیرا اگر پیامبر ﷺ در پی ارضای غرایز نفسانی بود، می‌باید در سنین جوانی به این کار مبادرت می‌کرد، در حالی که ایشان تا سن بیست و پنج سالگی همسری انتخاب نکرد. پس از آن نیز با زنی که در گذشته دوبار شوهر کرده بود و از آن دو فرزندی داشت و پانزده سال از وی بزرگ‌تر بود، ازدواج کرد و تا آخرین لحظه عمر این همسر که حدود بیست و پنج سال با وی زندگی نمود، بدون آنکه با زن دیگری رابطه زناشویی برقرار سازد، تا سن پنجاه و سه سالگی، جز یک همسر نداشت.

۳. داستان تعدد زوجات پیغمبر ﷺ را نمی‌توان بر زن‌دوستی و شیفتگی آن حضرت نسبت به جنس زن حمل نمود؛ چه آنکه برنامه ازدواج آن حضرت در آغاز زندگی که تنها به خدیجه اکتفا نمود و همچنین در پایان زندگی که اصولاً ازدواج بر او حرام شد، با بهتان زن‌دوستی آن حضرت منافات دارد. برخی از زنان آن حضرت در سنین پیری به همسری رسول خدا ﷺ درآمدند که انتظار تولد فرزند از آنان وجود نداشت؛ بنابراین، تعدد زوجات وی نمی‌تواند با انگیزه پسریابی باشد!

۴. بر اساس صراحت آیات قرآنی، رسول خدا ﷺ به دستور خداوند سبحان با زینب بنت جحش، همسر مطلقه زید بن حارثه، پسر خوانده خود، ازدواج کرد. از جمله فواید این ازدواج این است که دو حکم و سنت جاهلی را باطل کرد: یکی حرمت ازدواج با همسر مطلقه پسرخوانده و دیگری سنت زشت شمردن ازدواج با همسر مطلقه یک غلام آزاد شده.

۵. تجرد حضرت عیسی علیه السلام هرگز به سبب مخالفت او با امر ازدواج نبود، بلکه عمر کوتاه حضرت مسیح علیه السلام به اضافه اشتغال مداوم او به سفرهای تبلیغی به نقاط مختلف جهان به او اجازه این امر را نداد.

۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله با قبایل انصار و مسلمانان مدینه که روگردانی از حمایت پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آنان مطرح نبود، پیوند زناشویی برقرار نداشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ام حبیبه را به ازدواج خود درآورد تا بدین ترتیب داماد ابوسفیان، یعنی دشمن اصلی خود شده، از دشمنی قریش نسبت به خود بکاهد. در نتیجه این وصلت، پیامبر صلی الله علیه و آله با خاندان بنی امیه و هند زن ابوسفیان و سایر دشمنان خونین خود، جنبه فامیلی و خویشاوندی پیدا کرد؛ چه ام حبیبه، عاملی بسیار مؤثر برای تبلیغ اسلام در خانواده‌های مکه بود.

پی‌نوشت

[۱] امیر مؤمنان علیه السلام در توصیف حضرت عیسی علیه السلام می‌فرمایند: «... لم تکن له زوجة تفتنه و لا ولد یحزنه...» یعنی عیسی علیه السلام نه همسری داشت که او را فریفته خود سازد و نه فرزندی که باعث حزن و اندوه او شود (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰). حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «به حضرت عیسی بن مریم گفته شد که چرا ازدواج نمی‌کنی؟ آن حضرت گفت: برای چه ازدواج کنم؟ گفته شد: تا فرزنددار شوی. گفت: اولاد و فرزند چه کار می‌کنند؟ اگر زنده بمانند، مایه و منشأ فتنه هستند و اگر هم بمیرند، باعث حزن و اندوه می‌شوند (شیخ صدوق، من لایحضر الفقیه، ۱۴۱۳: ۵۵۸/۳).

منابع

۱. ابن ابی جمهور، احسائی (۱۹۸۳م)، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، تحقیق السید المرعشی والشیخ مجتبی العراقی، قم، سید الشهداء.
۲. ابن ابی عاصم، ضحاک (۱۴۱۱ق)، الاحاد والمثنائی، تحقیق باسم فیصل احمد الجوابره، ریاض، دار الدراية.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۲۸ق)، الاصابة فی تمییز الصحابة، المدينة المنورة.
۴. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۳۸۸ق)، الطبقات الكبرى، بیروت، دار صادر.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۶. ألمعی، زاهد عواض (۱۴۰۳ق)، مع المفسرین و المستشرقین فی زواج النبی ﷺ بزینب بنت جحش، الرياض، الجامعة الاسلامیة، چاپ چهارم.
۷. انصاری، مسعود (بی تا)، کوروش بزرگ و محمد بن عبدالله، بی جا.
۸. بلاغی، محمد جواد (بی تا)، الهدی الی دین المصطفی، ترجمه سید احمد صفائی، انتشارات آفاق.
۹. ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۲ش)، نگرشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام، قم، بوستان کتاب.
۱۰. بی ناس، جان (۱۳۷۳ش)، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. دیون پورت، جان (۱۳۸۸ش)، عذر تقصیر به پیشگاه محمد ﷺ و قرآن، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، تهران، اطلاعات.
۱۲. حارث، عبدالغفار (۱۴۰۸ق)، السیدة زینب بنت جحش الشریفة الحسناء، بیروت، دارالجیل - دارالحارث.
۱۳. حدیدی، جواد (۱۳۷۴ش)، اسلام از نظر ولتر، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ پنجم.
۱۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة،

- بیروت، موسسة آل البيت عليه السلام لاجيا التراث.
۱۵. حقّی بروسوی، اسماعیل (بی‌تا)، تفسیر روح البیان، بیروت، دار الفکر.
۱۶. دیاری بیدگلی، محمدتقی (۱۳۸۳ش)، پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر قرآن، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چاپ دوم.
۱۷. ذهبی، محمد حسین (۱۴۰۵ق)، الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث، دمشق، لجنة النشر فی دار الایمان، چاپ دوم.
۱۸. رازی، ابوالفتوح (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۹. رضایی اصفهانی، محمد علی و جمعی از فضلاء حوزه و دانشگاه (۱۳۸۳ش)، ترجمه قرآن کریم، موسسه فرهنگی دارالذکر.
۲۰. رسولی محلاتی (۱۳۸۹ش)، زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۱. سبحانی، جعفر (۱۳۶۳ش)، فروغ ابدیت، قم، دانش اسلامی.
۲۲. صبحی صالح (بی‌تا)، نهج البلاغة، قم، دارالهجره.
۲۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق)، من لایحضر الفقیه، قم، جامعه مدرسین.
۲۴. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)، تفسیر المیزان، مترجم محمد باقر موسوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، فراهانی.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العرب.
۲۷. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸ش)، تفسیر اطیب البیان، تهران، اسلام، چاپ دوم.
۲۸. عاشوری لنگرودی، حسن (۱۳۸۶ش)، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسش‌ها و پاسخ‌ها (۴)، تهران، هستی نما.
۲۹. علی بن نایف الشحود، المفصل فی الرد علی شبهات أعداء الإسلام، (نرم افزار الشامله).
۳۰. گوستاولوبون فرانسوی (۱۳۳۴ش)، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید محمدتقی فخر

- داعی گیلانی، مطبوعات علی اکبر علمی، چاپ چهارم.
۳۱. محقق، محمد باقر (۱۳۶۱ش)، نمونه بینات در شأن نزول آیات، تهران، اسلام.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۱ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب اسلامیة، چاپ هفتم.
۳۳. هیکل، محمد حسنین (بی تا)، حیاة محمد ﷺ، قاهره، مطبعة السنة المحمدية، چاپ سیزدهم.
۳۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳ش)، مساله حجاب، تهران، صدرا، چاپ دوم.
۳۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحارالانوار، بیروت، انتشارات مؤسسه الوفاء، الطبعة الرابعة.
۳۶. نیشابوری، مسلم بن الحجاج (بی تا)، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر.
۳۷. حسنین هیکل، حیاة محمد ﷺ، بی تا: ۳۲۰-۳۲۵).
38. Encyclopedia of the Quran.
39. Lecker, M (2002). "Zayd B. Haritha". *Encyclopaedia of Islam* 11 (2nd ed.). Brill Academic Publishers.
40. Oliver Leaman, *The Quran: an Encyclopedia*.
41. Watt, W. M. (1956). *Muhammad at Medina*, pp. 330-331. Oxford: The Clarendon Press.